

Investigating the historical course of Iran's conquest of Hirmand and its influencing factors

Sayed Mohammad Jamal Mousavi¹  Sayed Mohammad Mahdi Ehsani² 

1. Department of Islamic Civilization History, Complex of Islamic History, Sirah and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

E-mail: jamal_mosavi@miu.ac.ir

2. M.A. Student in Islamic World Contemporary History, Department of Islamic Civilization History, Al-Mustafa International University Iran.

E-mail: mm_ehsani@miu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-09-21

Revised: 2025-12-15

Accepted: 2025-01-18

Available online

14 April 2025

Keywords:

Helmand,

Sistan,

Goldsmid, McMahon,

Kajaki Dam.

ABSTRACT

The Hirmand River plays a vital role in supplying drinking water, agriculture, and environmental needs for both Iran and Afghanistan. Disputes over the Hirmand's waters date back to the period of Sistan's division by the British government and the delineation of geographical borders between the two countries. This article examines the historical process of this dispute during three periods—the Qajar era, the Pahlavi era, and after the Islamic Revolution—and the factors influencing it. The findings show that the lack of resolution of this conflict and its continuation is due to a set of natural and human factors, including climate change, droughts, and shifts in the riverbed. However, human factors are of greater significance, encompassing Iran's weak diplomacy in all three political periods, the interference of regional and extra-regional powers, Afghanistan's socio-political developments, and the lack of genuine resolve among that country's officials to address the Hirmand water issue.

Cite this article: Mousavi, Sayed jamal; Ehsani, Sayed Mohammad Mahdi (2025). Investigating the historical course of Iran's conquest of Hirmand and its influencing factors, *Discourse of History*. 49 (1), 58-77. <http://doi.org/10.22034/SKH.2025.19372.1557>



<http://doi.org/10.22034/SKH.2025.19372.1557>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

بررسی سیر تاریخی حقایق ایران از هیرمند و عوامل تأثیرگذار بر آن

سید محمد جمال موسوی^۱ | سید محمد مهدی احسانی^۲ 

۱. گروه تاریخ تمدن اسلامی مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه قم، ایران.

رایانامه: jamal_mosavi@miu.ac.ir

۲. نویسنده مسؤول، گروه تاریخ تمدن و معاصر مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه قم، ایران.

رایانامه: mm_ehsani@miu.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

کلیدواژه‌ها:

هیرمند،

سیستان،

گولدا اسمیت،

مک ماهون،

سد کجکی.

رود هیرمند، نقشی حیاتی در تامین آب شرب، کشاورزی و زیست‌محیطی در دو کشور ایران و افغانستان ایفا می‌کند. مناقشات بین ایران و افغانستان بر سر آب هیرمند به دوران تقسیم سیستان توسط دولت بریتانیا و ترسیم مرزهای جغرافیایی بین دو کشور باز می‌گردد. سیر تاریخی این مناقشه در این نوشتار در سه مرحله دوران قاجار، پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی بررسی شده است. به نظر می‌رسد در استمرار این مناقشه و حل نشدن آن، علاوه بر عوامل طبیعی و تغییرات اقلیمی مانند خشکسالی یا تغییر بستر رود عوامل انسانی چندی وجود دارد که مهمتر هستند. دیپلماسی ضعیف ایران در هر سه دوره حکومتی، دخالت قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای، تحولات سیاسی اجتماعی روی داده در افغانستان و فقدان اراده جدی در دولت مردان این کشور برای حل مساله آب هیرمند از جمله این عوامل هستند.

استناد: موسوی، سیدجمال و احسانی، سید محمد مهدی (۱۴۰۴). بررسی سیر تاریخی حقایق ایران از هیرمند و عوامل تأثیرگذار بر آن.

سخن تاریخ، ۴۹ (۱)، ۷۷-۵۸.

<http://doi.org/10.22034/SKH.2025.19372.1557>



© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

مقدمه:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نزدیک به ۲۰۰ کشور جهان حوضه‌های آبریز مشترک دارند. این مسئله با توجه به افزایش تقاضای آب، تنش‌های منطقه‌ای را به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک افزایش داده است، تا جایی که قرن حاضر را "قرن جنگ بر سر منابع آب" می‌دانند (سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۵۶). در این زمینه، مجله «فارن پالیسی» درباره بحران آب در دنیا نوشت: "داعش را فراموش کنید و به فهرست بلند دشمنان جهان، کمبود آب را اضافه کنید؛ عاملی که می‌تواند باعث افزایش تنش بین ملت‌ها و جنگ‌های بسیاری شود (Shane Harris: <http://foreignpolicy.com/2014/09/18/water-wars>).

رودخانه‌ها یکی از مهم‌ترین منابع دسترسی به آب تازه برای مصارف انسانی هستند و بسیاری از آن‌ها از مرزهای بیش از یک کشور عبور می‌کنند. افزایش تقاضا برای آب، همراه با خشکسالی‌ها و آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی، آب را به عاملی برجسته در روابط سیاسی کشورها تبدیل کرده و احتمال وقوع منازعه بر سر منابع مشترک را تشدید کرده است. اختلافات بر سر رودخانه‌های بین‌المللی اغلب به دلایلی چون استفاده بیش از حد در بخش بالادست رودخانه، کاهش میزان یا کیفیت آب در پایین‌دست، و انتخاب رودخانه به‌عنوان خط مرزی به وجود می‌آیند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲).

افغانستان کشوری است که، با وجود قرار گرفتن در مناطق نیمه‌خشک جهان، به دلیل ارتفاعات پوشیده از برف هندوکش در مناطق مرکزی، محل سرچشمه رودهای پرآب بین‌المللی است. از جمله این رودها می‌توان به آمودریا در شمال (عبور از مرزهای تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان)، هیرمند در جنوب غرب (عبور از مرز افغانستان و ایران)، هریرود در غرب (عبور از مرز افغانستان، ایران، ترکمنستان)، کابل‌رود در شرق (عبور از مرز افغانستان و پاکستان)، و رود پنج (بین تاجیکستان و افغانستان و ریزش به آمودریا) اشاره کرد (صفوی، ۱۳۹۵: ۲۸).

طبق گزارش سند منتشرشده توسط UNEP در سال ۲۰۰۸، حوزه آبریز آمودریا حدود ۵۵ درصد و حوزه آبریز هیرمند حدود ۱۰ درصد از منابع آبی افغانستان را تشکیل می‌دهند. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهند افغانستان تنها از ۳۰ درصد منابع آبی خود استفاده می‌کند و ۷۰ درصد باقی‌مانده بدون استفاده به کشورهای همسایه سرازیر می‌شود. این در حالی است که افغانستان به شدت به این منابع نیازمند است و تنها با ایران قرارداد دوجانبه در خصوص استفاده از این منابع دارد. (Gordon, 2013: 23)

مفاهیم:

هیرمند: واژه‌ای کهن فارسی است که از دو بخش «هیر» به معنای آب و «مند» به معنای دارنده تشکیل شده و در مجموع به معنای «دارنده آب» یا «رود سرشار از آب» است (امامی، ۱۳۸۱: ۸۲؛ معصومی، ۱۳۹۲: ۷۷).

رودخانه هیرمند: این رودخانه با حوضه آبریز ۱۵۰'۰۰۰ کیلومترمربع از کوه‌های بابا سرچشمه می‌گیرد (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۰۳) و پس از طی ۱۰۵۰ کیلومتر به دریاچه هامون در سیستان ایران می‌ریزد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۵). دریاچه هامون شامل سه بخش «هامون صابری»، «هامون پوزک»، و «هامون هیرمند» است که در مواقع پربابی به یکدیگر متصل می‌شوند (میرزایی، ۱۳۸۶: ۲۳).

دلتای رودخانه هیرمند: بخش سفالی هیرمند، که در ناحیه سیستان قرار دارد، با وسعت ۱۸'۲۰۰ کیلومترمربع شامل ۴۰ درصد خاک ایران است. در این منطقه، هیرمند به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شود. جهت جریان هیرمند پس از بند کمال‌خان به سمت شمال تغییر می‌کند و در بند کوهک به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود: شاخه پریان که به دریاچه هامون پوزک (در خاک افغانستان) وارد می‌شود و شاخه سیستان که به هامون هیرمند (در خاک ایران) می‌ریزد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۵).

تالاب‌های هامون: تالاب‌های هامون که در تاریخ از آن‌ها با نام «دریای زره» یاد شده، بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین ایران و یکی از تالاب‌های مهم بین‌المللی است. این تالاب‌ها نقش حیاتی در تأمین آب شرب، کشاورزی، و اکولوژی منطقه سیستان دارند. رودخانه‌هایی چون هیرمند، ارغنداب، و فراه‌رود که از ارتفاعات مرکزی افغانستان سرچشمه می‌گیرند، منابع اصلی تأمین آب این تالاب‌ها هستند. جاری نشدن هیرمند از افغانستان می‌تواند حیات منطقه را تهدید کند. برای نمونه، در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۱ شمسی، آورد رودخانه هیرمند تنها ۰/۲ میلیارد مترمکعب بوده که خسارت‌های ناشی از آن در بخش کشاورزی ایران بیش از ۲۲۰ میلیارد ریال برآورد شده است (همان، ۱۵۳).

اگرچه تعریف جهانی واحدی از حقابه‌های زیست‌محیطی وجود ندارد، اما به‌طور کلی، «حقابه زیست‌محیطی» به میزان جریانی از آب اطلاق می‌شود که باید در یک رودخانه، تالاب، یا حوزه ساحلی جریان داشته باشد تا تمامیت، بهره‌وری، و بقای آن اکوسیستم تضمین شود. تعیین حقابه زیست‌محیطی، پیش‌شرط مدیریت پایدار حوضه‌های آبریز است (بیران، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

این نوشتار به بررسی منشأ شکل‌گیری اختلافات آبی میان ایران و افغانستان، قراردادهای دوجانبه در خصوص حقایق ایران و عوامل تأثیرگذار بر این مسأله می‌پردازد.

پیشینه بحث

در سال‌های اخیر، مقالات متعددی در ایران به بررسی مسائل مختلف مربوط به رود هیرمند و حق‌آبه ایران پرداخته‌اند. این مقالات هر یک از جنبه‌های مختلف این موضوع، از تاریخ روابط ایران و افغانستان تا چالش‌های دیپلماتیک و زیست‌محیطی، را تحلیل کرده‌اند. برای مثال، مقاله‌ی سیر تحول مناسبات ایران و افغانستان در خصوص رود هیرمند نوشته‌ی محبوبه صفایی و سبحان طیبی (۱۳۹۳) به تحلیل دیپلماسی ایران و چالش‌های آن در برابر افغانستان پرداخته و به نکاتی درباره ناکامی ایران در حل مسأله در سه دوره مختلف اشاره می‌کند.

علاوه بر این، حقایق هلمند و پیشینه آن اثر محسن خلیلی و صدیقه هاشمی (۱۳۶۹) به بررسی تاریخی مسأله تقسیم آب بین ایران و افغانستان پرداخته و عواملی مانند سیاست‌های استعماری بریتانیا و دخالت‌های خارجی را بررسی می‌کند.

در نهایت، مقاله‌ی مسأله تاریخی هیرمند و راهکارهای کاهش چالش‌های ناشی از آن از علی شکری و همکاران (۱۴۰۱) ضمن مرور سیر تاریخی مسأله، راهکارهایی برای حل بحران‌های مربوط به این رودخانه پیشنهاد می‌دهد. این مقاله به‌ویژه به مشکلات دیپلماتیک و چالش‌های موجود در سیاست‌های ایران و افغانستان پرداخته است.

این مقالات، اگرچه هرکدام به جنبه‌های مختلف این موضوع پرداخته‌اند، اما هنوز جای بحث در مورد چگونگی پیوند دادن این مقالات به راه‌حل‌های عملی برای حل مشکلات رود هیرمند وجود دارد.

چگونگی پیدایش اختلاف بین دولت‌های ایران و افغانستان

در اوایل دوره قاجار، منطقه سیستان با مشکلات و تنش‌های فراوانی روبرو بود. در این دوره، سیستان تحت کنترل خاندان‌های محلی و حکمرانان نیمه‌مستقل قرار داشت که گاهی با حکومت مرکزی در تهران همکاری می‌کردند و گاهی به مخالفت می‌پرداختند (شیخ نوری، ۱۳۸۸: ۳۰). از سوی دیگر، رقابت‌های میان حاکمان محلی و کشمکش‌های آنان وضعیت منطقه را ناامن می‌کرد (احمدی، ۱۳۹۷: ۲). این امر منجر به فقدان امنیت و بروز مشکلات

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری برای مردم منطقه می‌شد.

شاهان قاجار تلاش‌هایی برای تثبیت و گسترش نفوذ خود در سیستان انجام دادند. این اقدامات شامل نصب حکمرانان محلی وفادار به تهران (افشاریزدی، بی‌تا: ۹۸ و ۱۰۱)، ارسال نیروی نظامی و تلاش برای بهبود زیرساخت‌های منطقه بود. با این حال، به دلیل پیچیدگی معادلات منطقه‌ای، این اقدامات چندان موفقیت‌آمیز نبود.

خطر حمله ناپلئون به هندوستان (گاردان، ۱۳۶۲: ۴۷) و نزدیکی افغانستان به روس‌ها (صیقل، ۱۳۹۴: ۳۵) در زمان امیرشیرعلی‌خان (۱۸۲۵-۱۸۷۹ م) و تمایل روس‌ها به دسترسی به آب‌های گرم جنوب (افشاریزدی، ۱۳۵۸: ۴۲) باعث شد دولت انگلیس و کمپانی هند شرقی به سرزمین‌های مجاور هندوستان، از جمله سیستان، توجه بیشتری نشان دهند. انگلیسی‌ها برای حفظ هند و جلوگیری از دسترسی رقبای، به فکر ایجاد یک سرزمین حائل میان هند و روسیه افتادند که شامل افغانستان و بخش‌هایی از ایران در منطقه سیستان می‌شد. با دسیسه‌چینی انگلیسی‌ها، اختلافاتی میان دولت ایران و امیرشیرعلی‌خان بر سر منطقه سیستان به وجود آمد. بر اساس معاهده پاریس و تحت بند ششم، انگلیسی‌ها به عنوان داور و حکم میان ایران و افغانستان عمل کرده و خط مرز را تعیین کردند (طباطبایی‌مجد، ۱۳۷۳: ۲۸۴؛ محمود، ۱۳۷۸: ۶۹۵؛ میرحیدر، ۲۵۳۵: ۲۲).

در تعیین این خط، انگلیسی‌ها به گونه‌ای عمل کردند که منافع آنان در هند از تهدید رقبای اروپایی، به ویژه روسیه، از مسیر افغانستان و ایران به حداقل برسد. بدین ترتیب، آنها در تعیین خطوط مرزی بین ایران و افغانستان در منطقه سیستان، سیاست ایجاد منطقه حائل بین روسیه و هند را دنبال کرده و آن را به دو بخش تقسیم کردند (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۱۹).

اختلاف اصلی میان ایران و افغانستان از زمان شکل‌گیری مرزهای شرقی ایران (جدایی هرات) و بر اثر دخالت‌های دولت انگلستان، بر سر استفاده از آب رودخانه هیرمند آغاز شد. هدف اصلی انگلیسی‌ها از این مداخلات، ایجاد اختلاف بین ایران و افغانستان به منظور حمایت از منافعشان در هند بود (رایت، ۱۳۵۹: ۹۹) هرچند که انگلیسی‌ها در این داورى به نفع افغانستان عمل کردند، اما این داورى مورد توافق کامل طرفین قرار نگرفت و زمینه‌ساز اختلافات، از جمله اختلافات آبی، میان دو کشور شد. این مسئله به امضای قراردادهای دوجانبه آتی انجامید. علی‌رغم تلاش‌های متعدد برای حل این اختلافات از جمله انعقاد قراردادهایی میان دو کشور، تاکنون به دلیل موانع مختلف، به یک راه‌حل پایدار و جامع دست نیافته‌اند.

قراردادهای ایران و افغانستان در مورد هیرمند

الف - دوره قاجار

تا دوره قاجاریه، مساله خاصی در خصوص آب هیرمند وجود نداشت؛ زیرا سیستان یکپارچه و یکدست بود و ساکنان آن در دو طرف رود، بر اساس عرف و رسوم معمول، از آب رود هیرمند برای مصارف کشاورزی و آشامیدنی خود استفاده می کردند. اما پس از به رسمیت شناخته شدن حاکمیت افغانستان بر هرات (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۳۳۸) و تعیین مرزهای دو کشور در منطقه سیستان (همان، ۳۴۱)، مساله آب هیرمند به یک چالش میان دو کشور تبدیل شد. در این دوره طرفین برای رفع اختلافات به داوری کشور ثالث روی آوردن که نتیجه آن عقد دو قرارداد گلد اسمیت و مک ماهون بود.

۱- حکمیت گلد اسمیت (۱۲۳۵ش)

پس از جنگ هرات، قراردادی در پاریس در سیزدهم اسفند ۱۲۳۵ شمسی بین ایران و انگلستان به امضا رسید که طبق ماده ۶ آن، اختلافات ایران و افغانستان به داوری دولت انگلیس واگذار می شد (روح زنده، ۱۳۸۴: ۱۱۴). در سال ۱۲۵۱ ش پس از بروز اختلاف بین ایران و افغانستان در مورد سیستان ژنرال فردریک گلد اسمیت به عنوان داور این اختلافات انتخاب شد. وی پیش از این، در جریان احداث خط تلگراف کراچی-جاسک با منطقه آشنا شده بود (جهانبانی، ۱۳۰۷: ۶۳؛ مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۹۵). در همان سال ۱۲۵۱ ش میلادی، گلد اسمیت مرز ایران و افغانستان را در شاخه اصلی رود هیرمند مشخص کرد و شرط گذاشت که افغانستان سد جدیدی بالاتر از سد سیستان نسازد و آب رود باید به طور مشترک استفاده شود. در این حکمیت، نمایندگان ایران و افغانستان به ترتیب میرزا معصوم خان انصاری و سید نور محمد شاه بودند (رخشانی، ۱۳۸۵: ۷۳؛ غبار، پیشین: ۷۳۱).

گلد اسمیت در تقسیم سیستان، بیش از نیمی از آن را به وسعت ۱۰۶۴۷/۴ کیلومتر مربع به افغانستان و ۷۲۹۰/۸ کیلومتر مربع به ایران واگذار کرد و ناصرالدین شاه قاجار این رأی را پذیرفت (عباسی، ۱۳۷۲: ۲۴). افغان ها این تقسیم را ناعادلانه می دانستند، چرا که بخش آبادتر و پرجمعیت تر سیستان به ایران واگذار شده بود (سیستانی، ۱۴۰۰: ۸).

در ۱۲۵۱ ش، گلد اسمیت بدون اطلاع دولت ایران، تفسیر جدیدی از حکمیت خود ارائه کرد که به افغانستان اجازه می داد نهرهای جدیدی بسازد، مشروط بر اینکه سهم ایران کاهش نیابد.

این تفسیر موجب کاهش آب ورودی به سیستان شد، به ویژه در دوره‌های خشکسالی (افشاری‌زدی، ۱۳۶۷: ۱۴). ابهامات این تفسیر از جمله چگونگی امکان ساخت سد جدید بدون کاهش سهم حقابه ایران، باعث اختلافات بیشتری شد.

۲- حکمیت مک ماهون (۱۹۰۳-۱۹۰۵ میلادی)

تغییر مجرای رود هیرمند در ۱۲۷۴ ش، و خشکسالی ۱۲۸۰ ش، منازعات جدیدی را برانگیخت. افغانستان ادعا کرد که مرز باید مطابق با مسیر جدید رود تغییر یابد، در حالی که ایران این ادعا را رد کرد و معتقد بود مرز باید طبق مسیر قدیمی رود مشخص شود (بدیعی و دیگران، پیشین: ۱۲۵). این اختلافات موجب تنش‌های شدید و تصرف اراضی مورد اختلاف، توسط نظامیان افغان و تخریب بند سیستان شد (ایرج افشار، پیشین: ۱۴).

بر اساس عهدنامه پاریس ۱۲۳۵ ش، موضوع دوباره به حکمیت انگلستان سپرده شد و هیاتی به ریاست سرهنگ مک ماهون به سیستان اعزام شد (تیت، ۱۳۶۹: ۶۸). مک ماهون در ۱۹۰۵ میلادی رأی خود را صادر کرد که طبق آن دو سوم آب هیرمند برای افغانستان و یک سوم برای ایران تعیین شد و احیای نهرهای متروک و ساخت نهرهای جدید مجاز دانسته شد، مشروط بر اینکه حقابه هر طرف کاهش نیابد (غبار، پیشین: ۷۳۴).

ایران با این رأی مخالفت کرد و در نامه‌ای به وزارت خارجه انگلیس اعلام کرد که سهم یک سوم برای ایران کافی نیست و باید دو سوم آب به ایران داده شود (فخاری، ۱۳۷۱: ۴۵). همچنین، ایران حضور دائم نماینده انگلیسی در سیستان را مغایر با حاکمیت خود می‌دانست. به همین دلیل، ایران حکمیت مک ماهون را نپذیرفت (حافظنیا و دیگران، پیشین: ۳۸-۳۹). در مقابل، دولت افغانستان حکمیت گلد اسمیت را منسوخ دانسته و اعلام کرد که هیچ تعهدی در قبال ایران ندارد (دامن پاک و کلالی مقدم، پیشین: ۲۳۶-۲۳۷).

دو قرارداد فوق بیانگر این است که اختلافات ایران و افغانستان درباره آب هیرمند از یک مسئله محلی به چالشی پیچیده و بین‌المللی تبدیل شد. این حکمت‌ها هم، با وجود تلاش‌های داوران، نتوانستند توافقی پایدار ایجاد کنند. منافع متضاد دو کشور و تغییرات محیطی، مانند تغییر مجرا و خشکسالی، باعث ادامه منازعات و افزایش تنش‌ها شد.

دوران پهلوی ها:

توجه ایران به سیستان در دوران پهلوی اول تا حدی متأثر از سیاست های رضاخان بود. وی سیاست تمرکز بر توسعه و امنیت ایران در پیش گرفته بود. توسعه زیرساختها مانند راه های ارتباطی، حضور نظامی دولت در مناطق مختلف ایران از جمله سیستان، و حاکمیت حکومت مرکزی و کاهش قدرت متنفذان محلی ازجمله این سیاست ها بود.

مساله آب و توسعه کشاورزی سیستان هم عامل توجه دولت پهلوی به سیستان و مسائل آن بود. هم زمان با دوران پهلوی اول، افغانستان نیز شاهد تغییرات سیاسی بود. شاه امان الله () ساقط و در این بازه زمانی نادرخان () و بعد پسرش ظاهرشاه () روی کار آمده بود. نادرخان بیشتر بر توسعه داخلی تمرکز داشت، ولی در دوره ظاهرشاه و با وجود تلاشهای دیپلماتیک برای مدیریت روابط با ایران، مسئله هیرمند همچنان یکی از چالش های مهم روابط دو کشور و محل نزاع و درگیری باقی ماند.

از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۱ش، در سیستان درگیری هایی میان اهالی دو طرف مرز رخ داد و دولت های ایران و افغانستان اقدام به حفر انهاری در مسیر هیرمند کردند. تا این که در ۱۳۱۱ش طرح قراردادی میان دو کشور تنظیم شد، اما به دلیل اعتراض ایران به ماده اول آن، این قرارداد به نتیجه نرسید.

قرارداد ۱۳۱۷ش (۱۹۳۹م)

رای مک ماهون درباره حقا به هیرمند سال ها پس از آن همچنان مشخص نبود و بحران های سیاسی شدید در ایران و افغانستان این مسئله را پیچیده تر می کرد. تنش ها بر سر رعایت حقا به ادامه یافت تا اینکه در دوران رضا شاه، اقداماتی در جهت تضمین تمامیت ارضی افغانستان و احترام به عدم مداخله و همزیستی مسالمت آمیز از طریق «عهدنامه مودت بین دولتین ایران و افغانستان» صورت گرفت (واعظ زاده، ۱۳۷۴: ۵۴). این عهدنامه با هدف به رسمیت شناختن هر دو دولت بر اساس قوانین بین المللی و ایجاد روابط دوستانه منعقد شد.

امضای این عهدنامه توسط سید مهدی خان فرخ وزیر مختار ایران در کابل و سردار غلام صدیق خان کفیل وزارت خارجه افغانستان به تقویت روابط دو کشور و توجه رضا شاه به حل مسائل مرزی انجامید (بدیعی و دیگران، پیشین: ۲۰۶؛ همچنین ن.ک: مسعود کوهستانی نژاد، "هیرمند، هامون و قراردادهای استعماری"، پیشین: ۲۶). طبق فصل ششم این عهدنامه، در

صورت بروز اختلاف، طرفین می‌توانستند یک شخصیت مهم از کشور خود را انتخاب کرده و در صورت عدم توافق، یک مقام بی‌طرف از کشوری ثالث برای حل مسئله برگزینند و رأی آن مقام قطعی خواهد بود (کوهستانی‌نژاد، همان).

با این حال، به دلیل اقدامات طرفین و حفر انهار انحرافی در مسیر هیرمند، اختلافات بر سر حقابه همچنان باقی بود (رحمانیان، براقی، پیشین: ۵۲-۵۵). در ۵ شهریور ۱۳۱۵، دو دولت توافق موقت بر سر حقابه را امضا کردند که شامل ۹ ماده بود و طبق آن، میزان آبی که به بند کمال خان می‌رسید، به طور مساوی تقسیم می‌شد (دامن‌پاک، کلالی‌مقدم، پیشین: ۲۳۸). این توافق در سال ۱۳۱۶، پس از امضای پیمان سعدآباد میان ایران، افغانستان، ترکیه و عراق، تمدید شد (مکی، ۱۳۶۲: ۵۶).

اقدامات افغانستان و مذاکرات جدید

با وجود این قراردادها، دولت افغانستان در سال ۱۳۱۶ بند نهر میلک را مسدود کرد و نهر بُغرا را از رود هیرمند انشعاب داد. در پاسخ، دولت ایران باقر کاظمی، وزیر اسبق امور خارجه، را برای عقد قرارداد جدیدی به کابل فرستاد (رحمانیان، براقی، پیشین: ۵۶-۵۷؛ ایرج افشار، پیشین: ۱۵).

قرارداد جدیدی با مقدمه و ۱۶ ماده و یک اعلامیه در ۶ بهمن ۱۳۱۷ بین باقر کاظمی و علی محمد خان وزیر خارجه افغانستان امضا شد و در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸ به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسید، ولی مجلس افغانستان اعلامیه متمم را رد کرد (پاک‌نژاد، کلالی‌مقدم، پیشین: ۲۳۸؛ رحمانیان، براقی، پیشین: ۵۷). بر اساس ماده اول قرارداد، دو کشور سهم آب بند کمال خان را به طور مساوی تقسیم می‌کردند و ماده دوم نیز دولت افغانستان را از احداث یا تعمیر کانال جدید در مسیر هیرمند از ده چهار برجک تا بند کمال خان منع می‌کرد. ماده هشتم مقرر می‌کرد که هیچ‌یک از طرفین اقداماتی که باعث کاهش سهم آب طرف مقابل شود، انجام ندهند.

این قرارداد و اعلامیه متمم، افغانستان را از اقدامات مضر به سهم آب ایران در بند کمال خان منع می‌کرد، اما عدم تصویب اعلامیه متمم از سوی مجلس افغانستان، اجرای قرارداد را مختل کرد (حافظ‌نیا و دیگران، پیشین: ۴۰-۴۱). مجلس افغانستان که تحت تأثیر ملاکان بزرگ قرار داشت، این اعلامیه را رد کرد و به همین دلیل دولت ایران نیز بدون تصویب آن، قرارداد را بی‌ارزش می‌دانست (غبار، ۱۳۶۸: ۱۷).

کمیسیون بی طرف دلتای هیرمند (۱۳۳۶ش)

پس از بی نتیجه ماندن قرارداد ۱۳۱۷ و کاهش سهم آب ایران در نتیجه خشکسالی های بعدی، دولت افغانستان به حفر نهرهای سراج و بغرا و ساخت سد کجکی ادامه داد. دولت ایران در سال ۱۳۲۶ تصمیم گرفت حل اختلاف را به شورای امنیت سازمان ملل واگذار کند، اما مصطفی عدل، نماینده ایران در سازمان ملل، با توجه به ماده ۳۳ منشور ملل متحد، مبنی بر اینکه این مسئله واجد شرایط امنیتی فوق العاده نیست، از این کار خودداری کرد (حسینی، ۱۳۷۱: ۴۵-۴۶).

در پی آن، با موافقت ایران، حل مسئله به آمریکا به عنوان کشوری بی طرف، سپرده شد و کمیسیون بی طرفی شامل کارشناسان آب از کشورهای شیلی، آمریکا و کانادا تشکیل شد (سالور، پیشین: ۵۷۸؛ امامی، پیشین: ۹۶). این کمیسیون پس از مدتی تحقیق در سال ۱۳۳۰ش گزارشی ارائه داد که شامل موارد زیر بود:

۱. حق تقدم مصرف آب سیستم مربوط به موارد پس از ۱۹۵۰ است و میانگین نیاز آبی سیستم ۲۲ متر مکعب بر ثانیه تعیین شد.
۲. سد کجکی در مواقع طغیان آب های زائد را جمع آوری کرده و موجب توسعه طرح های علیای رود می شود بدون ضرر به ایران.
۳. سد ارغنداب تأثیری در جریان آب دلتا ندارد.
۴. امکان توسعه آبیاری نهر بغرا قبل از تکمیل سد کجکی بدون کاهش آب در قسمت پایین رود.
۵. رد پیشنهاد ایران برای سهمیه بیشتر و تعیین سهم آب کمتر.
۶. افغانستان موظف شد از اقداماتی که سهم آب ایران را کاهش می دهد، خودداری کند (دامن پاک، کلالی مقدم، پیشین: ۲۴۳).

دولت افغانستان پیشنهادات کمیسیون را در تاریخ ۷ آبان ۱۳۳۱ پذیرفت، اما ایران خواستار مذاکرات مستقیم شد چون کمیسیون نتوانسته بود تمامی مسائل را بررسی کند و پیشنهاد مذاکرات مستقیم بین طرفین را داد (ایرج افشار، پیشین: ۱۶).

ایران دلیل مخالفت خود را شامل کاهش سهم آب سیستم حتی در مواقع بارانی و مبنا قرار دادن حق تقدم آب پس از ۱۳۲۸ش دانست. همچنین، عدم نظر کمیسیون در مورد اثرات سدهای کجکی و ارغنداب و سکوت درباره اقدامات جدید افغانستان از جمله حفر نهرها و ذخیره سیلابها از نقاط مناقشه بود (دامن پاک، کلالی مقدم، پیشین: ۲۴۳-۲۴۴).

دولت افغانستان پیشنهاد جدیدی برای مذاکرات در واشنگتن بر اساس حکمیت گلد اسمیت، مک ماهون و گزارش کمیسیون دلتا ارائه داد که ایران با آن موافقت کرد. اولین جلسه در ۲۰ فروردین ۱۳۳۵ در سفارت ایران در واشنگتن برگزار شد، اما به دلیل اختلاف در میزان حقایق، توافقی حاصل نشد (رحمانیان، براقی، پیشین: ۶۲؛ دامن‌پاک، کلالی‌مقدم، پیشین: ۲۴۴).

معاهده‌ی تقسیم آب هیرمند ۱۳۵۱ ش (۱۹۷۲ م)

پس از اختلافات دو کشور در پذیرش نظرات کمیسیون بی‌طرف دلتا، مذاکرات ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۴۷ شمسی، دولت ایران به مناسبت سالگرد استقلال افغانستان، دوباره موضوع مذاکرات هیرمند را مطرح کرد. سفیر افغانستان ضمن پیشنهاد مذاکرات، با در نظر گرفتن رأی کمیسیون بی‌طرف دلتا مبنی بر حقایق سیستان به میزان ۲۲ متر مکعب در ثانیه، اعلام کرد که افغانستان برای مدت پنج سال به‌طور آزمایشی با افزایش سهم ایران از ۲۲ متر مکعب در ثانیه به ۲۶ متر مکعب در ثانیه موافق است. اما هیئت ایرانی خواستار افزایش این مقدار به ۳۰ تا ۳۵ متر مکعب در ثانیه شد که در نهایت مذاکرات به نتیجه نرسید (منوچهر امامی، پیشین، ص ۹۸).

در سال ۱۳۴۹ ش، خشکسالی شدید در منطقه دلتا رخ داد که منجر به مهاجرت بسیاری از مردم سیستان به گرگان، ترکمن صحرا و مشهد شد. در همین سال، جریان آب رودخانه سیستان به‌طور کامل به مدت ۲۳ روز قطع شد و آبی از رود هیرمند به سمت ایران وارد نشد. همچنین میزان آب ورودی از رود سیستان و کانال‌های منشعب از رود پریان مشترک به کمترین مقدار، یعنی ۱۸۹ میلیون متر مکعب کاهش یافت (حافظ‌نیا و دیگران، پیشین، ص ۴۵).

تمام این عوامل باعث شد دو کشور دوباره بر سر میز مذاکره بنشینند و در نهایت معاهده آب رود هیرمند در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ (۱۳ مارس ۱۹۷۳) با ۱۲ ماده و دو پروتکل در کابل توسط نخست‌وزیران دو کشور، عباس هویدا و موسی شفیق، به امضا رسید. طبق ماده دوم این معاهده، میزان سهم آب هر یک از طرفین چنین تعیین شده است: «مجموع مقدار آبی که از رود هیرمند (هلمند) در سال نرمال آب از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شود منحصر است به متوسط جریان ۲۲ متر مکعب در ثانیه طبق جدول "گزارش کمیسیون دلتای هلمند" مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۵۱ مطابق تقسیمات ماهانه‌ای که در ستون ۲ جدول مندرج ماده سوم این معاهده ذکر شده و یک مقدار اضافی متوسط جریان ۴ متر مکعب در ثانیه متناسب به تقسیمات ماهانه و به سابقه حسن نیت و علایق برادرانه از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شود» (مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، "قانون معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان".

ماده اول این معاهده در بند ج تعریفی از سال نرمال آبی ارائه می‌دهد که مقرر می‌دارد: «سال نرمال آب» عبارت از سالی است که مجموع جریان آب از اول اکتبر (مهر) تا پایان سپتامبر (شهریور) سال بعد در موضع دستگاه آب‌شناسی دهرآود بر رود هیرمند بالاتر از مدخل بند کجکی چهار میلیون و پانصد و نود هزار ایکرفیت (۴'۵۹۰'۰۰۰ ایکرفیت) یا معادل ۷۱۵/۶۶۱ میلیون متر مکعب اندازه‌گیری و محاسبه شده باشد (همان). بر اساس این معاهده، ایران در سال‌های نرمال حقایقه‌ای برابر ۲۶ متر مکعب در ثانیه یا معادل ۸۲۰ میلیون متر مکعب در سال از رودخانه خواهد داشت و سهم آب تحویل داده شده به ایران به نسبت ۱ به ۷ و سهم افغانستان به نسبت ۶ به ۷ خواهد بود (سلطانی، کرباسی، پیشین، ص ۱۶۷-۱۶۶).

ماده ۳ معاهده، مواضع تحویل آب به ایران را در مبدأ رود سیستان و دو نقطه دیگر بین مرزهای ۵۱ و ۵۲ تعیین می‌کند. طبق ماده ۴، در سال‌هایی که به علت حوادث اقلیمی جریان آب از سال نرمال کمتر باشد و ارقام اندازه‌گیری دستگاه آب‌شناسی دهرآود در ماه‌های مورد نظر نسبت به ماه‌های مشابه سال نرمال کاهش یابد، سهم آب ایران به‌طور متناسب کاهش خواهد یافت. ماده ۵ نیز بیان می‌کند که افغانستان توافق دارد از انجام اقداماتی که ممکن است ایران را از حقایقه خود محروم سازد، خودداری کند. همچنین ایران هیچ‌گونه ادعایی بر آب هیرمند بیشتر از مقادیر معین شده در این معاهده نخواهد داشت، حتی اگر مقادیر بیشتری در دلتا سفلی هیرمند وجود داشته باشد و مورد استفاده ایران قرار گیرد. طبق ماده ۹، در صورت بروز اختلاف در تفسیر یا اجرای مواد این معاهده، طرفین ابتدا از طریق مذاکرات دیپلماتیک و سپس با مساعی جمیله مرجع ثالث برای حل اختلاف تلاش خواهند کرد و در صورت عدم توافق، اختلافات بر اساس پروتکل شماره ۲ ضمیمه معاهده به حکمیت ارجاع خواهد شد. بر اساس بند (ه) ماده ۵ پروتکل دوم، رأی دیوان حکمیت قطعی و لازم‌الاجرا است (مرکز پژوهش‌های مجلس، همان).

چند ماه پس از امضای معاهده، رژیم پادشاهی افغانستان در تیرماه ۱۳۵۲ شمسی (۱۹۷۳ م) به‌دنبال کودتای محمد داوود خان به جمهوری تبدیل شد. این تغییر موجب تعویق مبادله اسناد معاهده بین دو دولت شد و در نهایت، پس از مبادله اسناد تصویب شده، قرارداد ۱۳۵۱ در خرداد ماه ۱۳۵۶ شمسی لازم‌الاجرا اعلام گردید.

پس از انقلاب اسلامی ایران

پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ش، مسئله آب رود هیرمند همچنان به عنوان یکی از مسائل مهم و مورد مناقشه میان ایران و افغانستان باقی ماند. از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون تحولات عمده‌ای در منطقه رخ داده و وضعیت مسئله هیرمند نیز تغییرات زیادی داشته است. پس از انقلاب، ایران بر اجرای معاهده ۱۳۵۱ (۱۹۷۳) با افغانستان در خصوص تقسیم آب رود هیرمند تأکید کرد. طبق این معاهده، افغانستان متعهد به تأمین مقدار مشخصی از آب برای ایران بود. با این حال، مسائل مربوط به اجرای صحیح و کامل این معاهده همچنان منبع اختلافات باقی ماند. فقدان تسلط دولت افغانستان بر تمام کشور، دوره اشغال و جهاد، و جنگ‌های داخلی در زمان حکومت مجاهدین، مانع از تحقق عملی مفاد این معاهده شد.

با تسلط طالبان در سال ۱۳۵۷ ش (۱۹۹۶ م)، به دلیل اختلافات ایدئولوژیک، روابط دو کشور تیره‌تر شد و قطع موقت آب هیرمند از سوی طالبان و خشکسالی چهار ساله بی‌سابقه در منطقه و آسیب‌های شدیدی به اکوسیستم سیستان وارد کرد. با روی کار آمدن دولت جدید انتقالی حامد کرزای در سال ۱۳۸۰ شمسی، روابط دوباره برقرار شد و در سند همکاری مشترک امضا شده در اسفند ماه ۱۳۸۰ ش، که به امضای رئیس‌جمهور وقت ایران و حامد کرزای رسید، دو طرف بر اجرای معاهده ۱۳۵۱ برای تقسیم آب هیرمند تأکید کردند.

با این حال، در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی، علی‌رغم حمایت ایران از او در انتخابات ریاست جمهوری و حمایت از عبدالله عبدالله برای ریاست اجرایی در برابر اشرف غنی، هر دو از همکاری با ایران در مسئله آب امتناع کردند (حسین فرجاد امین، معاون سابق ستاد افغانستان وزارت امور خارجه، بیست و هفتمین نشست کمیساران آب هیرمند، ۲۶-۲۵ بهمن ۱۴۰۲).

در دو دهه اخیر، ساخت سدهای جدید و توسعه زیرساخت‌های آبی در حوزه رود هیرمند توسط افغانستان و همچنین تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های متوالی، موجب افزایش تنش‌ها در خصوص دسترسی به آب شده است. آخرین اظهارات اشرف غنی، رئیس‌جمهور وقت افغانستان، در مورد معاهده هلمند و اقداماتی که افغانستان در حوزه آبریز هلمند انجام داد، مبنی بر معامله آب در برابر نفت (تسنیم، ۲۹ مرداد ۱۴۰۱)، تنش‌هایی را در روابط دو کشور ایجاد کرد.

در دوره جدید طالبان از سال ۲۰۲۲ به بعد، وضعیت آب رود هیرمند تحت تأثیر تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و تلاش‌های دوجانبه و بین‌المللی برای حل این مناقشه ادامه دارد. هرچند به نظر می‌رسد که مذاکرات و همکاری‌های مستمر بین ایران و افغانستان

می‌تواند به کاهش تنش‌ها و یافتن راه‌حل‌های پایدار کمک کند، اما عوامل متعدد موجب ناکامی دو طرف در حل این مسئله شده است.

عوامل تاثیرگذار در مورد حقابه ایران از هیرمند

مسأله حقابه ایران از رود هیرمند، موضوعی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. برخی از این عوامل در ادامه توضیح داده می‌شوند.

۱. عوامل طبیعی

بستر رودخانه: با وجود قرارداد ۱۳۵۱، عواملی همچنان وجود دارند که اجرای تعهدات زیست‌محیطی افغانستان را در رابطه با تأمین حقابه ایران تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از این عوامل تغییرات مکرر بستر رود هیرمند و مسیرهای آن به سمت افغانستان است که منجر به کاهش سهم آب ایران می‌شود. این امر مسائل پیچیده‌ای در نظام حقوقی و روابط سیاسی دو کشور به وجود می‌آورد (بدیعی و دیگران، پیشین، ص ۲۱۷).

کمبود منابع آبی: کمبود منابع آبی، به‌ویژه در دوره‌های خشکسالی و با توجه به توسعه کشاورزی و احداث سدها و کانال‌ها در افغانستان، عامل دیگری است که بر این مسئله تأثیر می‌گذارد. افغانستان، بر اساس اصل حاکمیت مطلق بر منابع سرزمینی خود، این اقدامات را توجیه می‌کند (احمدی، ۱۳۸۳: ۴۹). همان‌طور که هنری مک‌ماهون در سوم مهر ۱۳۸۳ شمسی نوشته است، دولت افغانستان خود را تنها مالک رود هیرمند در بالای بند سیستان می‌داند و وجود هرگونه منازعه‌ای را انکار می‌کند (عبدی و مختاری، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

۲. عوامل انسانی

از مهمترین عوامل انسانی دخیل در این مسأله افزایش جمعیت و مدیریت نادرست است. افزایش جمعیت و نیازهای بیشتر به آب می‌تواند فشار زیادی بر منابع آبی وارد کند. اما مهم‌تر از آن، مدیریت نادرست این منابع و عدم همکاری بین دو کشور در مدیریت مشترک رودخانه هیرمند و منابع آبی آن و یکی از علل بحران است.

رقابت‌های داخلی سیاسی در افغانستان: رقابت‌های سیاسی داخلی افغانستان تأثیر زیادی بر مسأله حقابه ایران از هیرمند دارد. هرگاه دولت کابل در جهت حل مسأله آب با ایران پیش‌روی کند، گروه‌های سیاسی مخالف دولت آن را متهم به خیانت می‌کنند. برای نمونه، در جریان معاهده ۱۳۵۱، موسی شفیق متهم به «آب‌فروشی» و خیانت شد. این مخالفت‌ها غالباً ناشی از

تعصبات زبانی و فرهنگی و تأثیرپذیری احزاب از حامیان خارجی آنان است (غبار، ۱۳۶۸: ۴۰).

۳. ضعف دیپلماسی ایران در مورد مساله آب هیرمند:

دیپلماسی ایران در این زمینه از دوره قاجار تاکنون همواره با مشکلاتی همراه بوده است. در دوره قاجار، ایران فاقد ساختارهای دیپلماسی قوی برای حفظ منافع خود بود و این ضعف منجر به انعقاد معاهداتی شد که منافع ایران را تأمین نمی‌کرد. در دوران پهلوی نیز، بی‌ثباتی سیاسی و اولویتهای داخلی عامل ضعف ایران در مذاکرات بود. پس از انقلاب اسلامی و در دوران تحولات سیاسی افغانستان شامل کودتاها و جنگ‌های داخلی، دیپلماسی ایران با شریکی ناپایدار روبرو شد و مشکلاتی ایجاد کرد.

به طور کلی ایران نتوانسته است از روابط نزدیک خود با دولت‌های مختلف افغانستان و نیز اهرمهایی که داشته برای تضمین منافع آبی خود استفاده کند. هم‌چنین در دوره‌های مختلف، مسائلی همچون بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان یا تمرکز ایران بر دیگر اولویتهای سیاست خارجی (مانند مسائل منطقه‌ای و هسته‌ای) باعث کاهش توجه به این مساله شده است.

۴. دخالت‌های قدرتهای فرامنطقه‌ای:

دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا نیز می‌تواند بر مناقشه هیرمند تأثیرگذار باشد. آمریکا با سیاست‌هایی که برای تضعیف ایران دنبال می‌کند، از مسائل آب هیرمند بهره‌برداری کرده و با اقدامات خود، فشار بر ایران را افزایش می‌دهد. گمانه‌زنی‌ها حاکی از این است که حضور نظامی آمریکا در افغانستان و تلاش‌های آن برای تحریم ایران، نشان‌دهنده دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در این مسئله است. تنش‌های مربوط به منابع آب می‌تواند موجب نارضایتی داخلی در ایران شده و فشارهای بیشتری بر دولت وارد کند. این وضعیت می‌تواند هزینه‌های زیادی برای ایران داشته باشد و تمرکز کمتری بر سیاست‌های خارجی و منطقه‌ای خود داشته باشد.

این تحلیل‌ها بر اساس شواهد و گمانه‌زنی‌ها استوار است و برای تأیید قطعی به اطلاعات دقیق‌تری نیاز دارد. همچنین، برخی کشورهای منطقه نیز به دلایل منافع خود مانع از حصول توافق بین ایران و افغانستان می‌شوند.

نتیجه گیری:

در این مقاله به بررسی یکی از چالش‌های دیرینه در روابط ایران و افغانستان، یعنی مناقشه آب هیرمند، پرداخته شد. مسئله تقسیم آب هیرمند نه تنها به یک موضوع زیست‌محیطی، بلکه به یک مسئله پیچیده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است که تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی مردم در منطقه سیستان و افغانستان داشته است.

تحلیل‌های تاریخی و دیپلماتیک نشان می‌دهند که از زمان تقسیم سیستان و تعیین مرزهای ایران و افغانستان در دوران استعمار، مناقشه بر سر حق آب هیرمند به‌طور مداوم موجب تنش‌ها و اختلافات میان دو کشور بوده است. عوامل مختلفی از جمله تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های مداوم، مشکلات اقتصادی افغانستان، و همچنین تغییرات سیاسی در هر دو کشور، نقش عمده‌ای در پیچیدگی این بحران ایفا کرده‌اند. علاوه بر این، عدم نظارت مؤثر و مشکلات اجرایی در معاهدات و قراردادهای مختلف، به‌ویژه در دوران‌های بحرانی، باعث شده که این مسئله به‌طور جدی حل نشود.

به رغم تلاش‌های دیپلماتیک و معاهدات مختلف، همچنان عدم رعایت حق آب هیرمند از سوی افغانستان یکی از اصلی‌ترین مسائل باقی‌مانده در روابط دو کشور است. بر اساس بررسی‌های این مقاله، واضح است که بدون اراده سیاسی قوی و همکاری‌های مشترک میان دو کشور، حل این بحران در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد.

برای حل این مشکل و دستیابی به یک راه‌حل پایدار، پیشنهاد می‌شود که:

۱. توافقات جدید دیپلماتیک میان ایران و افغانستان با مشارکت نهادهای بین‌المللی نظیر

سازمان ملل، به‌ویژه در زمینه نظارت و اجرای معاهدات آبی، آغاز شود.

۲. توجه ویژه‌ای به مدیریت منابع آبی مشترک در راستای حفظ اکوسیستم و نیازهای زیست‌محیطی هر دو کشور معطوف گردد، زیرا تغییرات اقلیمی و بحران‌های آبی در آینده می‌تواند مشکلات بزرگ‌تری ایجاد کند.

۳. توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و ایجاد سازوکارهای حقوقی و فنی مشترک برای مدیریت منابع آبی و حل اختلافات ممکن است به راه‌حل‌های پایدارتر منجر شود.

۴. پشتیبانی از برنامه‌های کشاورزی و توسعه زیست‌محیطی در منطقه سیستان و افغانستان که می‌تواند در کاهش فشارهای آبی و بهبود وضعیت معیشتی مردم نقش داشته باشد. در نهایت، مسئله آب هیرمند تنها یک چالش فنی و طبیعی نیست بلکه یک چالش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که نیازمند همکاری مستمر و دیپلماسی پایدار میان ایران و افغانستان می‌باشد. تنها از طریق مدیریت مشترک و توجه به منافع بلندمدت هر دو کشور می‌توان به یک راه‌حل پایدار دست یافت که نه تنها حقوق هر دو کشور را رعایت کند بلکه منجر به بهبود وضعیت معیشتی و زیست‌محیطی منطقه نیز گردد.

منابع:

۱. بهسودی، واعظ زاده، افغانستان در آزمون زمان: سلسله حوادث پیرامون حوادث دوقرن ونیم کشور، نشر واعظ، کابل، ۱۳۷۴.
۲. تیت، پسمن، سفرنامه سیستان (خاطرات هیات مکماهون در سیستان)، ترجمه حسن احمدی، نشرمازیار، تهران، ۱۳۹۶.
۳. رایت، دنیس، انگلیسی ها در میان ایرانیان، ترجمه لطفعلی خنجی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۹.
۴. رخشانی، محمد تقی، مرزبندی های سیستان در تاریخ معاصر ایران (قاجار و پهلوی)، نشر تفتان، ۱۳۸۵.
۵. روح زنده، جمیله، گذری بر تاریخ روابط سیاسی ایران و افغانستان، نشر صبحدم، تهران، ۱۳۸۴.
۶. دوگاردان، آلفرد، ماموریت ژنرال گاردان در ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، نشر نگاه، تهران، ۱۳۶۲.
۷. سیستانی، اعظم، سرگذشت سیستان و رود هیرمند، نشر آکادمی علوم افغانستان، کابل، ۱۴۰۰.
۸. صفایی، ابراهیم، یک صد سند تاریخی، چاپخانه شرق، تهران، ۱۳۵۲.
۹. صفوی، سید حمزه صفوی، افغانستان، چاپ اول، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۸.
۱۰. صیقل، امین، افغانستان معاصر، نشر سعید، کابل، ۱۳۹۴.
۱۱. غبار، محمد غلام، افغانستان در مسیر تاریخ، نشر جمهوری، تهران، ۱۳۶۸.
۱۲. طباطبایی مجد، غلامرضا، معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، نشر بنیاد موقوفات دکتر افشار، تهران، ۱۳۷۳.
۱۳. فخاری، غلامحسین، اختلافات دولتین ایران و افغانستان در مورد رود هیرمند، دفتر مطالعات سیاسی و روابط بین الملل، تهران، ۱۳۷۱.
۱۴. فرهنگ، میرمحمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، نشر عرفان، تهران، ۱۳۸۸.
۱۵. محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، نشر اقبال، تهران، ۱۳۷۸.
۱۶. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، نشر ناشر، تهران، ۱۳۶۲.
۱۷. مهدوی، هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
۱۸. میرحیدر، دره، مرزهای ایران در دوران تاریخ، نشر سپهر، تهران، ۲۵۳۵.
۱۹. هاپکوک، پیتز، بازی بزرگ: ترجمه رضا کامشاد: تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۹.
۲۰. یزدی افشار، محمود، سیاست اروپا در ایران، اوراقی چند از تاریخ دیپلماسی، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، بنیاد موقوفات افشار یزدی، تهران، ۱۳۵۸.

ب) مقالات

۱. احمدی، سیدعباس، "بررسی هیدرو پلیتیک هیرمند"، نشریه رشد آموزش جغرافیا، بهار ۱۳۸۳، شماره ۶۷.
۲. اطاعت، جواد، اسماعیل ورزش، "هیدرو پلیتیک هیرمند؛ دلایل، آثار و پیامدها"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۸۰.
۳. افشار یزدی، ایرج، "هیرمند بزرگتری رود مرکزی فلات ایران"، نشریه رشد آموزش جغرافیا، ۱۳۶۷، شماره ۱۵.
۴. امامی، منوچهر، "رودخانه‌های مرزی هیرمند و اثرات امنیتی آن"، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، تابستان و پاییز ۱۳۸۱، شماره ۱۳ و ۱۴.
۵. باس سالور، "رود هیرمند و اختلاف حقابه"، مجله تاریخ معاصر ایران، بهار و تابستان ۱۳۸۱، شماره ۲۱ و ۲۲.
۶. بیران، صدیقه، "جایگاه قانونی حقابه‌های زیست محیطی"، نشریه راهبرد، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴۹.
۷. بدیعی ازنده‌ای، مرجان، رحیمی هرآبادی، سعید؛ گودرزی مهر، سعید، "نقش تغییرات مورفولوژی رودخانه‌ی مرزی هیرمند در روابط سیاسی ایران و افغانستان"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۰.
۸. تیشه یار، ماندانا، "نگاهی به ملاحظات جمهوری اسلامی ایران درباره حضور ناتو در افغانستان"، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۷۸.
۹. جعفری ولدانی، اصغر "استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین الملل"، پژوهش حقوق عمومی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۲۶.
۱۰. جعفری ولدانی، اصغر، نیلوفر حق شناس، "طرح تغییر مسیر ارون رود و حقوق بین الملل"، مجله حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۶۹، شماره ۱۲.
۱۱. حاتمی، مهدی، حسن بابایی، "تحلیل و ارزیابی طرح کمیسیون حقوق بین الملل ۲۰۰۸ در خصوص حقوق بین الملل حاکم بر سفره‌های آبی زیرزمینی مشترک میان دولتها"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۳.
۱۲. حافظ نیا، محمدرضا و دیگران، "هیدرو پلی تیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان"، فصلنامه مدرس علوم انسانی، تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴۵.
۱۳. حسینی، رباب، "تقسیم آب هیرمند و انعکاس آن در روابط ایران و افغانستان"، گنجینه اسناد، بهار و تابستان ۱۳۷۱، شماره ۵ و ۶.

۱۴. خسروی، محمود، "تأثیرات محیطی اندر کنش نوسان های رودخانه هیرمند با بادهای ۱۲۰ روزه سیستان"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۹۱.
۱۵. رحمانیان، داریوش، فضل الله براقی، "جایگاه مسئله ای آب هیرمند در مناسبات ایران و افغانستان در دوره رضا شاه"، مجله تاریخ ایران، بهار ۱۳۸۹، شماره ۶۴.
۱۶. سلطانی، جابر، علیرضا کرباسی، "نقش اجرایی رژیم حقوقی رودخانه هیرمند در تعدیل خشکسالی سیستان"، ماهنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۳۸.
۱۷. عبدی، عطاء الله، حسین مختاری، "نگاهی به فرصتها و تهدیدهای هیدروپلیتیک ایران"، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک (مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران)، زمستان ۱۳۸۴.
۱۸. عزتی، عزت الله، و دیگران، "تحلیلی بر هیدروپلیتیک شرق ایران"، فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰.
۱۹. کوهستانی نژاد، مسعود، "آب هیرمند مشکلی دیرین پاسخی نوین"، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، بهار ۱۳۸۱، شماره ۱۰.
۲۰. کوهستانی نژاد، مسعود، "هیرمند، هامون و قراردادهای استعماری"، فصلنامه گزارش (علوم سیاسی)، بهمن ۱۳۷۷، شماره ۹۶.
۲۱. کوهستانی نژاد، مسعود، "آب هیرمند، منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه ای"، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، بهار ۱۳۸۱، شماره ۱۱.
۲۲. مالکی، بهنام، "رودخانه هیرمند و چالش های پیش رو"، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، شماره ۲۰۹ و ۲۱۰.
۲۳. میررایی، محمدعلی، "کلیات رودهای مرزی با تأکید بر ارس و هیرمند"، مجله رشد آموزش جغرافیا، بهار ۱۳۸۶، شماره ۷۸.
۲۴. معصومی، مجید، و دیگران، "نقش ژئوپلیتیکی رودخانه و ژئواکونومیک بازارچه مرزی در برقراری امنیت اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان"، جغرافیای انتظامی، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۳.
۲۵. منوچهر امامی، "رودخانه های مرزی هیرمند و اثرات امنیتی آن"، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، تابستان و پاییز ۱۳۸۱، شماره ۱۳ و ۱۴.
۲۶. نوری، سید هدایت الله، جواد بذرافشان، "اثرات خشکسالی ۸۳-۱۳۷۷ بر اقتصاد روستایی سیستان و راهکارهای مقابله با آن"، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۵.